

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

شاهین از هالند

۱۹ جولای ۲۰۱۳

«یک نقد کوتاه»

«پذیرش دین باید یک امر خصوصی گردد»

کافیست شما فقد پنج دقیقه به رسانه های تلویزیونی توجه نمایند این پنج دقیقه سناریویی به دست می دهد که می توانید ساعتی روی آن چیزی بنویسید.

امروز در جریان تماشای رسانه تلویزیونی به برنامه تلویزیون (اندشه) برخوردم که در جریان برنامه مصاحبه ای جریان داشت. یک برادر اندیشمند و نویسنده محترم ایرانی مصاحبه و بحثی داشت روی مسایل دینی روحانیت و اسلام. این نویسنده اندیشمند و متفکر در جریان بحث خود اظهار می داشت که (دین باید یک امر خصوصی باشد نه عمومی. نباید دین بر عموم افراد جامعه تحمیل گردد هر کسی و هر شخصی خودش باید با خدای خود ارتباط داشته و خدای خودش را پرستش کند). شاکای از آن بود که در جامعه ایران سانسور و تفتیش عقاید دینی وجود دارد و می گفت این درست نیست.

همچنین ادامه داده می گفت: (دوسته به محمد و علی چسپیدن هم درست نیست) و بعداً علاوه کرد و گفت (آنچه محمد رواج کرده چه از نظر اقتصادی، اجتماعی و چه از لحاظ سیاسی به درد بخور شرایط فعلی مردم ما نیست) این دانشمند متفکر فقط یک موضوع را فراموش نموده اند و یا نخواسته اند آن را بگویند و آن این که ادیان، مذاهب و روحانیت مولود مبارزه طبقاتی و انعکاسی از مبارزات طبقات در جوامع بشری است.

در جوامع بشری علم، فرهنگ، رسم و رواج دین، مذهب و روحانیت جزء روبنای و ساختار اقتصادی زیربنای اجتماعی جامعه است. برای واضح شدن موضوع یک مثال می گویم فرضاً اگر بشریت در دوهزارو بیست سال قبل از امروز دانش علم و فهم بشر امروزی را می داشت و در آن زمان می دانستند که عربستان و سواحل خلیج کشور های عربی تا کرانه های سینا این ریگستانهای بی آب و علف علاوه بر اسب شتر و خرما سرشار از منابع طبیعی نفت است و اگر می توانستند از آن منابع بهره بگیرند و اگر می توانستند آن نفت را استخراج و به فروش برسانند هرگز ادیان ابراهیمی ظهور نمی کرد و بعداً احتیاج به جنگ ها و غزوات محمد نمی شد که این خود باعث از بین رفتن و کشته شدن هزاران آسان بی گناه شد. مگر غزوات محمد که زیر نام ترویج و اشاعه دین و خدا اتفاق افتاد جز دریافت غنائم که محصول این جنگ ها بود، چیز دیگری می توانست باشد؟

در دوران خلفای راشدین و هم بعداً در دوران سلطنت امویان و عباسیان فتوحات اسلام چون هر جنگ دیگری روی مسایل اقتصادی بوده و بعد از محمد تا حال همیشه دین وسیله به دست آوردن وضع اقتصادی بهتر ویا تحکیم آن در جامعه توسط افراد و طبقه بالای جامعه می باشد. از آنرو ادیان، مذاهب و روحانیون وسیله ای در دست طبقات حاکمه

بوده به مانند وسایل دیگری مثل ارتش، پولیس، زندان قوای امنیت و ... از آن استفاده می کنند تا بتوانند اکثریت افراد جامعه را تطمیع کرده به اطاعت و قناعت و اداری سازند تا کسی نتواند سر خود را در مقابل طبقات حاکمه این زورمندان و ثروتمندان بلند کند و به پا خیزد.

روحانیت، مذهب و دین چون تریاک افغانستان که فعلاً شهره شهرها شده ذهن فکر و دماغ افراد جامعه را چنان فلج می کند که افراد جامعه نتوانند به زندگی و وضع فلاکتبار و رفت انگیز خود فکر کنند. اگر چنین نمی بود و گفته برادر اندیشمند و نویسنده ایرانی قرین به حقیقت می شد یعنی در ایران (دین یک امر خصوصی می بود و به گفته شما هر کس خودش با خدای خود ارتباط برقرار می کرد و تفتیش عقاید وجود نمی داشت و دین بر عموم جامعه تحمیل نمی گردید) در آن صورت اندیشمند محترم باور بکنید که در ظرف پنج دقیقه در ایران انفجار رخ می داد طغیان و انقلاب صورت می گرفت ملت و مردم ایران دم روحانیت و ولایت فقیه را با امام زمانش گره کرده طومار اخندی را در هم پیچیده به زباله دان تاریخ می انداخت.

این که دین و روحانیت و ولایت فقیه به گفته شما دودسته به اسلام چسبیده دست از سر محمد و علی بر نمی دارند فکر می کنم دلیلش دگر برای شما کاملاً روشن شده باشد.

باز تأکید می کنم اگر آخذ و روحانیت، دین و ولایت فقیه را بر مردم با زور سرنیزه تحمیل نکنند و هر روز اعدام های زنجیره ئی به راه نیندازند و صدها مبارز هم وطن تان را به دار نکشند و اگر آخذ و روحانیت تفتیش عقاید را چون ساطور برنده بر گردن ملت نگذارد، مگر می تواند این دولت آخذی در مقابل طوفان به حق مردم تاب و توان بیاورد.

اندشمن محترم الگوی دین در کشور های اروپائی را در بحث خود پیش کش می کشد که گویا در کشور های اروپائی دین امر خصوصی است، تفتیش عقاید وجود ندارد.

بلی در این کشور ها دین تا اندازه ای موضوع خصوصی مردم است دولت مجبور نیست مردم را به خاطر نرفتن به کلیسا شلاق بزنند اما هرروزه از طریق رادیو و هر هفته در تلویزیون یک کشیش در باره دین و روحانیت و مسیحیت صحبت می کند مردم را به تقوا و دیانت و اطاعت ترغیب می نماید.

این که در کشور های اروپائی سانسور افکار و تفتیش عقاید به شدت جریان ندارد و یا دین و روحانیت موضوع داغ روز نیست دلیلش این است که در این جوامع دولت های غارتگر سرمایه داری با غارت چور و چپاول و اشغال کشور های فقیر عاید سرانه و سطح عاید اجتماعی مردم خود را بالا تر نگهداشته کارگران و کارمندان اجتماعی را با دادن معاش بیشتر تطمیع نموده اند. سطح نا رضایتی را در جامعه پائین آورده اند ازین لحاظ به دین و روحانیت توجه چندانی نمی شود.

مگر فراموش شده که در همین اروپای متمدن زمانی که اروپا در فقر و جهالت غطه ور بود، جنگ های صلیبی و کلیسا طی صد ها سال جان میلیون ها انسان شریف و دهقانان بیچاره را گرفت؟

باید گفت که دین و روحانیت با اقتصاد یک جامعه پیوند ناگسستنی دارد در هر جامعه ای که فقر و فاقه وجود دارد آنجاست که دین و روحانیت برای حفظ منافع ثروتمندان در تطمیع افراد جامعه برمی خیزد سانسور عقاید راه می اندازد افراد جامعه را که خواستار آزادی، ترقی و عدالت اجتماعی اند به نام آشوبگر و کافر به دار می زنند و به زندان می کشند. امیدوارم روزی این دوست دانشمند و متفکر ایرانی نوشته ام را مرور کند و در آینده در مصاحبات تلویزیونی شان بحث های پر شور تری داشته باشند.

با ادای احترام زیاد دانشمند عزیز.